

بررسی تأثیر فرار مالیاتی و فساد بر کارآفرینی مورد مطالعه: کشورهای OECD

محسن محمدی خیاره*

استادیار گروه علوم اداری و اقتصادی دانشگاه گنبد کاووس

تاریخ دریافت: 1397/5/5

تاریخ پذیرش: 1397/9/14

چکیده

هدف اصلی این مقاله، بررسی تأثیر بلندمدت و مشترک فرار مالیاتی و فساد بر فعالیت‌های کارآفرینانه با استفاده از داده های 36 کشور عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) در دوره زمانی 2010-2000 است. روش تحقیق برحسب هدف، کاربردی و برحسب گردآوری اطلاعات، توصیفی-همبستگی است. به این منظور، داده‌های پژوهش در دوره زمانی 2010-2000 از گزارش‌های بین‌المللی که بر اساس داده‌های پیمایشی، شاخص‌های اقتصادی و کارآفرینی کشورها را ارائه می‌کنند، استخراج و با استفاده از مدل‌سازی هم‌انباشتگی پانلی با نرم‌افزار 9 Eviews تحلیل شده است. نتایج بیانگر وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مورد استفاده است. علاوه بر این، بیانگر تأثیر منفی فساد بر هر سه مرحله انگیزه کارآفرینی، کارآفرینی نوپا و کارآفرینی تثبیت شده است. با این حال، نتایج در مورد نحوه تأثیر فرار مالیاتی بر انگیزه کارآفرینی مثبت است. به این ترتیب، نتایج نشان داد که با به کارگیری تخمین‌زننده‌های حداقل مربعات معمولی پویا (DOLS) و حداقل مربعات معمولی کاملاً تعدیل شده (FMOLS)، فرار مالیاتی بر کارآفرینی نوپا و تثبیت شده تأثیر منفی دارد، در حالی که بر انگیزه کارآفرینی تأثیر مثبت دارد. در نتیجه، اگر کارآفرینی یکی از عوامل اصلی رشد اقتصادی باشد، سیاست‌گذاران و دولت در هنگام تلاش برای کاهش فرار مالیاتی، باید هم‌زمان سیاست‌هایی را نیز در مبارزه با فساد اتخاذ کرده و ضعف‌های نهادی را مرتفع کنند.

واژه‌های کلیدی: انگیزه کارآفرینی، فرار مالیاتی، فساد، کارآفرینی تثبیت شده، کارآفرینی نوپا

مقدمه

کارآفرینی به عنوان یکی از عوامل اصلی رشد اقتصادی، افزایش سطح بهره‌وری و افزایش اشتغال محسوب می‌شود (Cullen & Gordon, 2007). تعداد زیادی از محققان خاطر نشان کرده‌اند که فساد، تأثیر قابل توجه و منفی بر سطح درآمدهای مالیاتی جمع‌آوری شده در یک کشور دارد (Nawaz, 2010). از سوی دیگر، این حقیقت که کشورهای با سطوح بالاتر فساد اداری، دارای اقتصاد زیرزمینی بزرگ‌تر و فرار مالیاتی بالاتر هستند، به صورت عمومی پذیرفته شده است. در عین حال، وجود فرار مالیاتی، محیط فساد را (به‌ویژه در مورد مدیران مالیاتی) مساعدتر می‌سازد. این دو پدیده که تأثیر منفی بر کارآفرینی و رشد اقتصادی دارند، موجب دلسردی بخش خصوصی نسبت به نوآوری و ابتکار شده و نااطمینانی در بازار را تقویت می‌کنند.

تحقیقات متعددی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که چگونه ضعف‌های نهادی بر سطح فعالیت‌های کارآفرینی تأثیر می‌گذارد. در این میان به جز تعداد انگشت‌شماری از مطالعات، توجه کمتری به فرار مالیاتی و فساد و تأثیر منفی آن‌ها بر فعالیت‌های کارآفرینانه در بلندمدت صورت گرفته است. به عنوان مثال، استرین و میکی ویکز¹ (2012)، استدلال می‌کنند که در کشورهای با اقتصاد سایه بزرگ‌تر، حجم و انگیزه فعالیت‌های کارآفرینانه کمتر است. به صورت مشابه، پارکر² (2003) نشان می‌دهد که فرار مالیاتی بر انتخاب شغل و فعالیت‌های کارآفرینانه تأثیر گذار است. آنوخین و اسکولز³ (2003)، اعتقاد دارند که کنترل بهتر فساد، ممکن است به سطوح بالاتر کارآفرینی منجر شود. با این حال هیچ کدام از مقالات یادشده، مسائل درون‌زایی را در ارتباط با این حقیقت که کارآفرینان نیز ممکن است بر سطح فساد و فرار مالیاتی تأثیر گذار باشند، در نظر نگرفته‌اند. از یک سو، کارآفرینان می‌توانند از تجارت و مبادلات غیرقانونی، منفعت کسب کرده و به همین دلیل به فرار مالیاتی اقدام کنند (Fadahunsi & Rosa, 2002). مقالات متعددی نشان داده‌اند که کارآفرینان صرفاً زمانی مالیات می‌پردازند

1 Estrin, & Mickiewicz

2 Parker

3 Anokhin & Schulze

که روحیه مالیاتی بالا باشد، فرار مالیاتی پرهزینه باشد و ریسک لورفتن، دستگیر شدن و شدت مجازات نیز بالا باشد (Lisi & Pugno, 2011; Mickiewicz et al. 2012). همچنین مکانیسمی که کارآفرینان طی آن اقدام به فرار مالیاتی می‌کنند ممکن است پیچیده باشد. برای توضیح بیشتر در این زمینه، مباحث مربوط به کارآفرینی جنایی¹ می‌تواند کمک‌کننده باشد؛ به این مفهوم که کارآفرینی همیشه یک فعالیت سالم و پاک نیست و می‌تواند ابعاد مخربی نیز در جامعه داشته باشد. در این راستا، وون لمپ² (2007)، دنیای اجتماعی کارآفرینان جنایی (غیرقانونی) را مورد بررسی قرار داده که شامل گروه‌های متخلف، شبکه‌های جنایی در بستر اجتماعی و تعامل بین حوزه‌های غیرقانونی و قانونی جامعه است (Kapustkina, 2008). علاوه بر این، یکی از انواع راهبردهای کارآفرینی جنایی که کارآفرینان می‌توانند از طریق آن فرار مالیاتی داشته باشند، توسعه کسب و کار در اقتصاد زیرزمینی است (Williams, 2008).

با توجه به اهمیت فرار مالیاتی و فساد در شکل‌گیری فعالیت‌های کارآفرینانه، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

(1) فرار مالیاتی چگونه بر مراحل مختلف فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای OECD

اثر می‌گذارد؟

(2) تأثیر فساد بر مراحل مختلف فعالیت‌های کارآفرینانه به چه صورت است؟

(3) آیا تأثیر فساد و فرار مالیاتی بر مراحل مختلف فعالیت کارآفرینی متفاوت است؟

مطالعه حاضر از سه جنبه دارای نوآوری نسبت به مطالعات پیشین است. نخست به‌زعم نویسندگان، در ادبیات مربوطه تاکنون در مورد تأثیر فرار مالیاتی و فساد بر مراحل مختلف فعالیت کارآفرینی، مطالعه‌ای انجام نگرفته است. از این رو، پژوهش حاضر برای نخستین بار رابطه بلندمدت بین فرار مالیاتی و فساد در مراحل مختلف فعالیت کارآفرینانه را در نمونه‌ای شامل 36 کشور OECD، در دوره زمانی 2000-2010 بررسی کرده است. دوم، در این پژوهش، رابطه بلندمدت در چارچوب هم‌انباشستگی مورد بررسی قرار می‌گیرد که از طریق آن می‌توان

1 Criminal Entrepreneurship

2 Von Lampe

درون زایی بالقوه متغیرهای به کاررفته در مدل را با استفاده از تخمین زنده‌های حداقل مربعات کاملاً تعدیل شده¹ (FMOLS) و حداقل مربعات پویا² (DOLS) به حساب آورد که این مهم در ادبیات پیشین نادیده گرفته شده است. جنبه پراهمیت دیگر این مقاله، تمایز بین مراحل مختلف شکل‌گیری فعالیت کارآفرینی با توجه به چارچوب پیشنهادی دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM) است. طبق گزارش دیده‌بان جهانی کارآفرینی، ساختار مناسبی برای مراحل کارآفرینی به صورت زیر ارائه شده است (Kelley et al. 2011):

- ◀ کارآفرینان بالقوه³: بر پایه عقاید و نگرش‌های افراد در مورد کارآفرینی شناسایی می‌شوند.
- ◀ انگیزه یا قصد کارآفرینانه⁴: در صد افراد 64-18 ساله‌ای که طی 12 ماه آینده در صدد راه اندازی کسب‌وکار جدید هستند.
- ◀ فعالیت‌های کارآفرینی نوپا⁵: فعالیت‌های کارآفرینانه‌ای که عمر فعالیت آن‌ها سه سال و نیم یا 42 ماه است.
- ◀ فعالیت‌های کارآفرینی تثبیت شده⁶: فعالیت‌های کارآفرینانه‌ای که عمر فعالیت آن‌ها بیشتر از 42 ماه است.
- ◀ قطع فعالیت⁷ (خروج از کسب‌وکار): درصد بزرگسالان 64-18 ساله‌ای که طی 12 ماه گذشته به دلیل کاهش فروش، تعطیلی و یا راه‌اندازی کسب‌وکار بهتر، از کسب‌وکار خود خارج شده‌اند.

بر پایه مدل 5 مرحله‌ای فوق، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر هم‌زمان و بلندمدت فساد و فرار مالیاتی بر سطح فعالیت‌های کارآفرینانه در سه مرحله مختلف فعالیت کارآفرینی (با

1 Fully Modified ordinary least square

2 Dynamic ordinary least square

3 Potential Entrepreneurs

4 Entrepreneurial Intentions

5 Total Early-stage Entrepreneurial Activity (TEA)

6 established business ownership

7 Discontinuation of business

توجه به داده‌های موجود) شامل انگیزه فعالیت کارآفرینی، کارآفرینی نوپا و کارآفرینی تثبیت شده است. در بخش دوم به صورت خلاصه، مروری بر ادبیات پژوهش صورت گرفته و در بخش سوم روش تحقیق ارائه شده است. در بخش چهارم توصیف داده‌ها و نتایج تخمین مدل آورده شده و نهایتاً در بخش پایانی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه شده است.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه تحقیق

فرار از پرداخت مالیات و فساد مالی در طول تاریخ، همواره به عنوان یک مشکل عمومی و همراه با عواقب جدی اقتصادی نه تنها در کشورهای در حال توسعه، بلکه در کشورهای با سیستم‌های مالیاتی توسعه یافته مطرح بوده است. به طور کلی، فرار مالیاتی و فساد می‌تواند اثرات مهمی بر فعالیت کارآفرینی داشته باشند. فرار مالیاتی میزان منابع انباشت شده توسط کارآفرینان را افزایش می‌دهد. از طرف دیگر، با کاهش درآمدهای مالیاتی جمع‌آوری شده توسط دولت، میزان عرضه خدمات عمومی توسط دولت کاهش یافته و پیامدهای منفی بر رشد اقتصادی خواهد داشت. اگرچه مطالعات گسترده‌ای به بررسی منشأ و علل، آثار و میزان فرار مالیاتی و فساد از هر دو جنبه نظری و تجربی پرداخته‌اند، اما روابط متقابل بین آن‌ها به صورت محدود مورد بررسی قرار گرفته است. مطالعات متعدد نشان داده است که فساد، بر مدیریت مالیات و نیز بر سطح درآمد مالیاتی جمع‌آوری شده در یک کشور اثر منفی می‌گذارد (Nawaz, 2010). برخی صاحب‌نظران، فساد را به عنوان ابزاری برای کاهش بار مالیاتی بیش از حد بر اقتصاد می‌نگرند که این کاهش می‌تواند از طریق تخصیص بهتر منابع، روند سرمایه‌گذاری را در جوامع بهبود ببخشد. با این حال، دیدگاه مسلط بیانگر این است که به طور کلی هر دو پدیده دارای اثر منفی بر اقتصاد و به ویژه اثر منفی بر سطح فعالیت‌های کارآفرینی هستند. اگرچه ارتباط بین فرار مالیاتی و کارآفرینی در ادبیات نظری به ندرت مورد توجه قرار گرفته، با این حال، تأثیر مالیات بر فعالیت‌های کارآفرینی به وفور بررسی شده است. از جمله مطالعات انجام شده در

زمینه تأثیر مالیات بر کارآفرینی، می‌توان به مطالعات آنگستروم و هلم‌لوند¹ (2009)، دجانکو² و همکاران (2010)، هانسن³ (2012)، هنرکسون⁴ و همکاران (2010)، بالیامونه و گارلو⁵ (2014)، بروس⁶ و همکاران (2015) و هاپکینس⁷ (2016) اشاره کرد. مالیات می‌تواند بر ورود کارآفرینان به فعالیت‌های کارآفرینی از راه‌های مختلف مانند میزان سرمایه‌گذاری، ریسک‌پذیری و از طریق انتخاب شغل تأثیر بگذارد (Bruce & Gurley, 2014; Asoni & Sanandaji, 2014). در همین راستا، به‌منظور ایجاد بستری مناسب برای توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه، سیاست‌هایی مانند اصلاح قوانین و مقررات اداری - بانکی، حمایت‌های مالی و مالیاتی سازمان یافته (کردنایچ و همکاران، 1392)، تقویت نهادها و حاکمیت قانون (Mohammadi Khyareh, 2017) پیشنهاد شده است. فرد⁸ (2013)، بر این حقیقت تأکید کرد که تأثیر معکوس مالیات بر درآمد روی ریسک‌پذیری کارآفرینان، اهمیت بیشتری نسبت به فرصت‌های فرار مالیاتی برای افراد خوداشتغال دارد. همچنین بالیامونه و گارلو (2014)، با استفاده از داده‌های کارآفرینی نوظهور، برگرفته از سازمان دیده‌بان جهانی کارآفرینی و داده‌های مالیات، برگرفته از داده‌های سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD)، ارتباط بین ساختار مالیاتی و کارآفرینی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که مالیات‌های تصاعدی در درآمدهای بالاتر از حد متوسط، اثر منفی و معنادار بر کارآفرینی نوظهور دارد.

1 Engström & Holmlund

2 Djankov

3 Hansson

4 Henrekson

5 Balamoune-Lutz, & Garello

6 Bruce

7 Hopkins

8 Ferde

فرار مالیاتی و کارآفرینی

در این بخش، به بررسی نگرش کارآفرینان به فرار مالیاتی پرداخته شده است. واژه کلیدی در اینجا "روحیه مالیاتی" است که به عنوان یک تعهد اخلاقی یا انگیزه ذاتی برای پرداخت مالیات در نظر گرفته می‌شود و تعداد زیادی از مقالات مانند Yitzhaki, 1974، بر نقش خطر دستگیر شدن یا لو رفتن و شدت مجازات برای رفتار اجتناب مالیاتی کارآفرینان، تأکید کرده‌اند. برخلاف فرار مالیاتی، روحیه مالیاتی، رفتار انفرادی را اندازه‌گیری نمی‌کند، بلکه نگرش فردی را اندازه می‌گیرد (Lisi & Pugno, 2011). تحلیل فرار مالیاتی در ادبیات تمکین مالیاتی، به مقاله کلاسیک آلینگام و ساندمو (1972) بر می‌گردد. از آن زمان به بعد، ادبیات قابل توجهی در ارتباط با فساد و فرار مالیاتی تولید شده است. یک فرد خوداشتغال می‌تواند به راحتی با کم جلوه دادن و یا گزارش نکردن در آمد واقعی خود از پرداخت مالیات فرار کند. این می‌تواند یکی از دلایل عمده‌ای باشد که چرا افراد به جای شغل‌های حقوق و دستمزدبگیری، کارآفرینی را انتخاب می‌کنند (Andreoni et al., 1998). علاوه بر این، ساختار سیاست مالیاتی در یک کشور می‌تواند روحیه مالیاتی را تحت تأثیر قرار دهد و فرار مالیاتی را جذاب‌تر کند (Doerrenberg & peichl, 2013). مطالعات متعددی، ارتباط بین مالیات و هزینه راه‌اندازی کسب‌وکار بر کارآفرینی را مورد بررسی قرار داده‌اند (Klapper et al., 2006; Cullen & Gordon, 2007; Braunerhjelm & Eklund, 2014; Block, 2016). درنی همدانی و همکاران¹ (2018) نتیجه گرفته‌اند، از آنجا که پرداخت مالیات باعث کاهش رضایت مالیات‌دهنده می‌شود و عامل کاهش در آمد به حساب می‌آید، بنابراین مالیات‌ها علاوه بر تأثیر روی تصمیمات استراتژیک کارآفرینان مانند تمایل به معرفی ایده‌ها و محصولات جدید، می‌توانند بر میزان فرار مالیاتی آن‌ها نیز تأثیر گذار باشند.

فساد و کارآفرینی

فساد به معنای سوءاستفاده از قدرت برای به دست آوردن منفعت شخصی است (Rodriguez et al., 2005). فساد به اشکال گوناگون کارآفرینی را متأثر می‌سازد، به ویژه اگر به شکل بسیار

گسترده و غیر قابل پیش‌بینی در جامعه متداول باشد، به افزایش عدم اطمینان در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منجر شده و انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. از طرف دیگر، وقت، انرژی و منابعی که باید صرف فعالیت‌های مولد شوند، در جهت فعالیت‌های فسادآمیز تلف می‌شوند. با توجه به نظریه بامول¹ (1990)، می‌توان استدلال کرد که ارتباط مستقیمی بین محیط فاسد در یک کشور خاص برای محدود کردن کارآفرینی مولد وجود دارد؛ بنابراین انتظار می‌رود کشورهایی با سطح بالای فساد معمولاً دارای کارآفرینی مولد در سطح پایین‌تری باشند.

مطالعات زیادی اثر فساد را بر عوامل اقتصادی مختلف و اخیراً بر کارآفرینی مورد بررسی قرار داده‌اند (Mauro, 1995; Mo, 2001; Méndez, & Sepúlveda, 2006). در حالی که تعدادی از مطالعات اثر منفی فساد بر کارآفرینی را نتیجه گرفته‌اند (Anokhin & Schulze, 2009; Dutta & Sobel, 2016)، دیگر مطالعات هیچ اثر مستقیمی در سطح کشوری نیافته‌اند (Aidis et al., 2012). از طرف دیگر، تعدادی از مطالعات تأثیر مثبت فساد بر کارآفرینی را نتیجه گرفته‌اند (Dreher & Gassebner, 2013; Chowdhury et al, 2015; Belitski et al., 2016). علاوه بر ماهیت پیچیده رابطه فساد و کارآفرینی، تفاوت در روش‌شناسی به کار رفته (به‌ویژه داده‌های مقطعی یا پانل بین‌کشوری و یا معیارهای متفاوت کارآفرینی)، می‌تواند به نتایج گوناگونی منجر شود. از سوی دیگر، مطالعات مختلف در زمینه کارآفرینی مطرح کرده‌اند که فساد می‌تواند دارای تأثیر غیرخطی بر فعالیت کارآفرینی باشد (Aidis et al. 2012; Anokhin & Schulze, 2009; Dreher & Gassebner, 2013). از طرفی، فساد تحت شرایط متفاوت می‌تواند اثر متفاوت بر کارآفرینی داشته باشد. یکی از عواملی که اثر فساد را تغییر می‌دهد، نحوه سازمان‌دهی کسب‌وکارها و قوانین مترتب بر آنهاست. عدم شفافیت قوانین، قوانین سخت‌گیرانه و انعطاف‌ناپذیر و ائتلاف منابع توسط دولت می‌تواند نحوه تأثیر فساد بر کارآفرینی را از نو تعریف کند، به طوری که در چنین شرایطی فساد می‌تواند باعث سهولت راه‌اندازی فعالیت‌های کارآفرینانه شود (Tonoyan

et al. 2010). علاوه بر این، اونیمیلچ¹ و همکاران (2013)، طی پژوهشی دریافتند که کشورهای با سطوح فساد بالا، با کارآفرینی پایین مواجه بوده و این تأثیر در کشورهای توسعه یافته بیشتر از کشورهای در حال توسعه است.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی، از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی - همبستگی بوده و به دلیل اینکه داده‌ها در طول زمان و برای مقاطع مختلف جمع‌آوری شده‌اند، از نوع پانلی است. داده‌های ثانویه، از گزارش‌های بین‌المللی که بر اساس داده‌های پیمایشی، شاخص‌های اقتصادی و کارآفرینی کشورها را ارائه می‌کنند، استخراج شده و با استفاده از مدل‌سازی هم‌انباشتگی پانلی با نرم‌افزار 9 Eviews تحلیل شده است. در مطالعه حاضر، داده‌های کارآفرینی برای 36 کشور عضو سازمان همکاری‌های اقتصاد و توسعه² (OECD) در دوره 2000-2010 و با توجه به مراحل متفاوت فعالیت‌های کارآفرینانه از منابع اطلاعاتی دیده‌بان جهانی کارآفرینی³ (GEM) جمع‌آوری شده است. نمونه کشورهای مورد استفاده در پژوهش حاضر بر اساس مطالعه اشنایدر و بوهن (2012)، عبارتند از: استرالیا، اتریش، بلژیک، بلغارستان، کانادا، قبرس، جمهوری چک، دانمارک، استونی، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، مجارستان، ایسلند، ایرلند، ایتالیا، کره جنوبی، لتونی، لیتوانی، لوکزامبورگ، مکزیک، هلند، نیوزلند، نروژ، لهستان، پرتغال، رومانی، جمهوری اسلواکی، اسلوانی، اسپانیا، سوئد، سوئیس،

1 Avnimelech

2. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه که مقر آن در پاریس است، به‌عنوان باشگاه کشورهای ثروتمند، مرکز پژوهشی، موسسه نظارتی و دانشگاه غیر آکادمیک یاد می‌شود سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در 14 دسامبر سال 1960 با امضای یک کنوانسیون 21 ماده‌ای توسط کشورهای عضو تأسیس شد.

3. برنامه دیده‌بان جهانی کارآفرینی، مهم‌ترین و کامل‌ترین مرجع ارزیابی و پایش کارآفرینی در سراسر جهان است. چارچوب مفهومی دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM)، ویژگی‌های چندوجهی کارآفرینی را به تصویر می‌کشد. همچنین ویژگی‌ها و نگرش‌های کارآفرینانه، انواع فعالیت‌های کارآفرینانه مانند کارآفرینی نوظهور، کارآفرینی جدید، کارآفرینی نوپا، کارآفرینی تثبیت شده، خروج از کسب‌وکار و اشتیاق به رشد کارآفرینانه شامل رشد کسب‌وکار، نوآوری و بین‌المللی شدن کسب‌وکارها را ارائه می‌دهد.

ترکیه، انگلستان و ایالات متحده آمریکا. استفاده از این نمونه کشورها در پژوهش حاضر از سه جنبه حائز اهمیت است. در وهله اول، به دلیل نقش پررنگ مالیات‌ها در اقتصاد این کشورها و همچنین وجود انگیزه‌های فرار مالیاتی به دلیل ساختار متفاوت مالیاتی و سطوح متفاوت فساد در اغلب این کشورها. دوم اینکه بین نرخ انگیزه کارآفرینی، کارآفرینی نوپا و کارآفرینی تثبیت شده در این کشورها تفاوت زیادی وجود دارد که قابلیت مقایسه را آسان‌تر می‌سازد. در نهایت از آنجا که سری داده‌های فرار مالیاتی ارائه شده توسط اشنايدر و بوهن (2012) صرفاً برای کشورهای OECD انجام گرفته و در سال 2010 متوقف شده، تحلیل حاضر در فاصله زمانی 2000 تا 2010 انجام گرفته است. شاخص درک فساد از منابع اطلاعاتی شفافیت بین‌المللی استخراج شده است که همراه با شاخص کنترل فساد بانک جهانی، می‌تواند در مطالعه سطح فساد در کشورها مورد استفاده قرار گیرند. گفتنی است که هر چه اندازه این شاخص بزرگ‌تر باشد، به منزله فساد کمتر است. در نتیجه، علامت مورد انتظار برای شاخص فساد در مدل، مثبت بوده که بیانگر تأثیر منفی فساد بر کارآفرینی است. شاخص‌های مربوط به کارآفرینی از پایگاه داده‌های دیده‌بان جهانی کارآفرینی استخراج شده است.

در ادبیات موجود، اگرچه تخمین‌زننده حداقل مربعات معمولی¹ (OLS)، تحت هم‌انباشتگی پانلی سازگار است، اما از تورش مجانبی درجه دوم برخوردار بوده و بنابراین، تکنیک‌های تخمین حداقل مربعات معمولی، کاملاً تعدیل شده² (FMOLS) و حداقل مربعات معمولی پویا³ (DOLS) طراحی شده است. برای حالت‌های خاص تخمین‌زننده‌های پانلی درون‌گروهی، نتایج مونت کارلو بیانگر این است که DOLS ویژگی‌های نمونه کوچک بیشتری دارد. باین حال، پدرونی⁴ (2000) نشان می‌دهد که تخمین‌زننده‌های پانلی درون‌گروهی FMOLS و DOLS، پیشنهادی کائو و شیانگ⁵ (2000)، از انحراف جدی ناشی از اندازه نمونه کوچک برخوردارند

1 Ordinary Least Squares

2 Fully-Modified Ordinary Least Squares

3 Dynamic Ordinary Least Squares

4 Pedroni

5 Kao and Chiang

و زمانی که بردارهای هم‌انباشتگی غیرهمگن هستند، تفسیر نتایج به راحتی امکان پذیر نیست. از این رو پدرونی با توسعه کارهای کائو و شیانگ (2000)، تخمین زنده پانلی میانگین گروهی و بین گروهی DOLS را پیشنهاد می کند که شامل تصحیح و رفع مسائل درون زایی و همبستگی سریالی به صورت پارامتریک است. در مطالعه حاضر، دو گروه تخمین زنده با هدف پایداری و تحلیل حساسیت مدل به کار گرفته می شوند. آزمون های گروهی برای پانل های غیرهمگن، مبتنی بر رویکرد بین گروهی است که شامل سه آماره گروهی PP، rho و ADF است. آزمون های هم‌انباشتگی پانل همگن مبتنی بر رویکرد درون گروهی است که شامل آماره های پانلی v، rho، PP و ADF است. تجزیه و تحلیل هم‌انباشتگی در داده های پانل با بررسی آزمون ریشه واحد متغیرهای مورد بررسی شروع می شود. اگر متغیرهای تحقیق هم‌انباشته از مرتبه اول باشند، آزمون هم‌انباشتگی انجام خواهد شد. اگر آزمون هم‌انباشتگی حاکی از وجود رابطه هم‌انباشتگی باشد، بردار هم‌انباشتگی بلندمدت با استفاده از روش های FMOLS و DOLS برآورد می شود. بعد از نوشتن رابطه هم‌انباشتگی، به پیروی از پدرونی (2000)، FMOLS ناپارامتریک برای پانل های هم‌انباشته غیرهمگن، با استفاده از نرم افزار 9 Eviews تخمین زده می شود. مدل مورد استفاده به صورت زیر است:

$$INT_{i,t} = \alpha_{i,t} + \beta_{1,i}TAX + \beta_{2,i}COR + u_{i,t}$$

$$TEA_{i,t} = \alpha_{i,t} + \beta_{1,i}TAX + \beta_{2,i}COR + u_{i,t}$$

$$ESP_{i,t} = \alpha_{i,t} + \beta_{1,i}TAX + \beta_{2,i}COR + u_{i,t}$$

INT انگیزه کارآفرینی، TEA فعالیت کارآفرینی نوپا، ESP کارآفرینی تثبیت شده، TAX

سطح فرار مالیاتی، COR سطح فساد و $u_{i,t}$ جمله خطاست. از سوی دیگر، تخمین زنده DOLS

پانلی میانگین گروهی به صورت زیر است:

$$INT_{i,t} = \alpha_{i,t} + \beta_{1,i}TAX_{i,t} + \sum_{k=-k_i}^{k=k_i} \gamma_{1ik} \Delta TAX_{i,t} + \beta_{2,i}COR_{i,t} + \sum_{k=-k_i}^{k=k_i} \gamma_{2ik} \Delta COR_{i,t} + u_{i,t}$$

$$TEA_{i,t} = \alpha_{i,t} + \beta_{1,i}TAX_{i,t} + \sum_{k=-k_i}^{k=k_i} \gamma_{1ik} \Delta TAX_{i,t} + \beta_{2,i}COR_{i,t} + \sum_{k=-k_i}^{k=k_i} \gamma_{2ik} \Delta COR_{i,t} + u_{i,t}$$

$$ESP_{i,t} = \alpha_{i,t} + \beta_{1,i}TAX_{i,t} + \sum_{k=-k_i}^{k=k_i} \gamma_{1ik} \Delta TAX_{i,t} + \beta_{2,i}COR_{i,t} + \sum_{k=-k_i}^{k=k_i} \gamma_{2ik} \Delta COR_{i,t} + u_{i,t}$$

یافته‌های تحقیق

قبل از اعمال تحلیل هم‌انباشتگی، باید از درجه انباشتگی $I(1)$ متغیرها اطمینان حاصل کرد. از این رو، یک سری از آزمون‌های هم‌انباشتگی پانلی اعمال شد که نتایج آن در جدول 1 گزارش شده است.

جدول 1. نتایج آزمون ریشه‌واحد پانلی

	متغیر	لوین لین و چو	ایم، پسران و شین	آDF فیشر	PP فیشر
سطح	TEA	***-2,6677	-0,7727	46,2691	***100,249
	ESP	0,5252	-1,1237	***54,4685	***124,229
	INT	***-6,2441	-1,2371	*49,7927	***75,0953
	COR	-0,9775	0,6837	36,8653	***60,1724
	TAX	***-4,1142	0,6055	24,5536	9,9122
تفاضل مرتبه اول	Δ_{TEA}	***-9,9541	***-4,3067	***890298	***172,518
	Δ_{ESP}	***-13,3315	***-6,0951	***115,164	***205,528
	Δ_{INT}	***-26,7029	***-11,8980	***120,243	***140,244
	Δ_{COR}	***-4,8093	*-1,4812	***53,1222	***158,040
	Δ_{TAX}	***-5,7756	-	***57,3040	***80,4264

جدول 2. نتایج آزمون‌های هم‌انباشتگی پانلی

متغیر	درون گروهی (همگن)				بین گروهی (غیرهمگن)			
	پدرونی (2001، 1999)				کائو (1999)			
	آماره پانلی v	آماره پانل rho	آماره پانل PP	آماره پانل ADF	آماره t-ADF	آماره rho گروهی	آماره گروهی PP	آماره گروهی ADF
کارآفرینی نوپا	-0,9945	1,631	***-3,685	***-1,910	***-4,159	3,0031	***-11,65	***-4,3703
کارآفرینی تثبیت- شده	-0,0683	0,2593	***-11,95	***-2,731	***-2,086	2,6392	***-15,994	***-5,8837
انگیزه کارآفرینی	0,3007	1,9214	***-5,100	***-1,76	***-2,447	3,1427	***-7,752	***-3,4616

نتایج گزارش شده در جدول 1، بیانگر این است که به جز آزمون پیشنهادی لوین، لین و چو (2002)، تمام آزمون‌های دیگر، بیانگر وجود ریشه‌واحد در سطح متغیرها بوده و این پدیده

بیانگر این است که متغیرها I(1) هستند. بنابراین می توان از هم‌انباشتگی برای بررسی رابطه بلندمدت بین متغیرها استفاده کرد. نتایج آزمون هم‌انباشتگی پانلی در جدول (2) ارائه شده است.

همان‌طور که نتایج جدول (2) نشان می‌دهد، اگر حالت خاصی از پانل‌های همگن در نظر گرفته شود، دو آزمون از چهار آزمون پیشنهادی پدرونی (1999، 2001)، بیانگر وجود رابطه هم‌انباشتگی برای متغیرهای INT، TEA و ESP است. آزمون کائو (1999) نیز نتایج وجود رابطه هم‌انباشتگی را تأیید می‌کند. بنابراین می‌توان رابطه بلندمدت بین کارآفرینی، فرار مالیاتی و فساد را پذیرفت. گام بعدی، تخمین روابط بلندمدت بین متغیرها با استفاده از تخمین زنده‌های FMOLS و DOLS است که نتایج آن در جدول (3) گزارش شده است.

جدول 3. نتایج پانلی FMOLS و DOLS

متغیر	انگیزه کارآفرینی		کارآفرینی نوپا		کارآفرینی تثبیت شده	
	FMOLS	DOLS	FMOLS	DOLS	FMOLS	DOLS
فساد	*** 2,147	*** 4,149	** 2,162	** 2,075	*** 3,589	*** 6,427
فرار مالیاتی	1,942	** 2,144	*** -3,755	** -2,610	*** -4,082	*** -5,939

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول (3)، در ارتباط با متغیرهای کارآفرینی نوپا و کارآفرینی تثبیت شده، مشاهده می‌شود که فرار مالیاتی دارای تأثیر منفی بر فعالیت‌های کارآفرینانه است. همین نتیجه در مورد تأثیر منفی فساد بر سطوح کارآفرینی در مراحل فعالیت کارآفرینانه، قابل مشاهده است (میزان پایین تر شاخص درک فساد، بیانگر سطح بالاتر فساد است). علاوه بر این، نتایج بیانگر ارتباط مثبت فرار مالیاتی بر انگیزه‌های کارآفرینی است. همچنین اگر تخمین زنده‌های FMOLS و DOLS با هم مقایسه شوند، نتایج مدل در مورد تأثیر فرار مالیاتی و فساد بر مراحل مختلف فعالیت کارآفرینی، معنادار است. در ارتباط با انگیزه کارآفرینی، مشاهده می‌شود که فساد به صورت منفی انگیزه فعالیت کارآفرینی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با وجود این، در مورد تأثیر متغیر فرار مالیاتی بر انگیزه کارآفرینی، معناداری ضرایب تخمینی صرفاً برای مدل DOLS برقرار است.

بحث و نتیجه گیری

مهم ترین و جدیدترین نوآوری این مقاله، مقایسه تأثیر فرار مالیاتی و فساد بر مراحل متفاوت فعالیت کارآفرینی است. نتایج این مقاله نشان داد که فرار مالیاتی و فساد آثار متفاوتی بر مراحل مختلف فعالیت کارآفرینانه دارند. به صورت ویژه، نتایج بیانگر تأثیر منفی فرار مالیاتی بر فعالیت های کارآفرینانه است. همین نتیجه در مورد تأثیر منفی فساد بر سطوح کارآفرینی در مراحل فعالیت کارآفرینانه، قابل مشاهده است. این نتیجه در راستای یافته های مطالعات چادهوری و همکاران¹ (2015)، بلیتسکی² و همکاران (2016) و آیدیس³ و همکاران (2012) است. در توضیح این پدیده می توان گفت، فساد اقتصادی بوروکراتیک با جذب بخشی از درآمدهای تولید باعث کاهش سودآوری شرکت ها و کسب و کارهای تثبیت شده می شود و این مسئله به نوبه خود به تضعیف فعالیت ها و انگیزه های کارآفرینانه می انجامد. از طرف دیگر، فساد اداری مانعی برای خلق نوآوری و ایجاد فرصت ها و فعالیت های کارآفرینی به شمار می آید. نتایج همچنین بیانگر ارتباط مثبت فرار مالیاتی بر انگیزه های کارآفرینی است که با یافته های مطالعات بلاک⁴ (2016)، بارونر هجلم و اکلوند⁵ (2014) و آسونی و سنندجی⁶ (2014) سازگار است. از طرف دیگر، فرار مالیاتی همراه با اجتناب مالیاتی می تواند به عنوان پناهگاه مالیات برای کاهش بار مالیاتی به حساب آید که موجب ترغیب خوداشتغالی (کارآفرینی) می شود، و بنابراین دارای تأثیر مثبت بر انگیزه کارآفرینی است. این مکانیسم ممکن است به این صورت اتفاق بیافتد که افزایش فرار مالیاتی، مردم را به شروع کسب و کار بدون درگیر شدن در فعالیت های فسادآمیز ترغیب می کند، هر چند ممکن است میزان ریسک گریزی آن ها کاهش یابد. علاوه بر این، وجود فرار مالیاتی در یک کشور، دال بر حجم

1 Chowdhury

2 Belitski

3 Aidis

4 Block

5 Braunerhjelm and Eklund

6 Asoni & Sanandajji

بالای اقتصاد زیرزمینی، محیط فساد بالا و نرخ‌های مالیات بر درآمد بالاست که قاعدتاً این عوامل تأثیر منفی بر فعالیت‌های کارآفرینانه دارند. با این حال اگر کارآفرینان مالیات نپردازند، شاید در کوتاه‌مدت منتفع شوند، اما در بلندمدت، کسری بودجه ایجاد شده از طریق فرار مالیاتی، به افزایش سطح مالیات، کنترل‌های شدید بر کسب و کارها و کارآفرینی تثبیت شده منجر خواهد شد که همه این عوامل و پدیده‌ها بر فعالیت‌های کارآفرینان تأثیر منفی خواهد داشت. همچنین با توجه به نتایج از دیدگاه هر دو تخمین‌زننده FMOLS و DOLS، می‌توان گفت سطح فساد و فرار مالیاتی تأثیر قوی‌تری بر سطح فعالیت کارآفرینی تثبیت شده، نسبت به کارآفرینی نوپا و انگیزه کارآفرینی دارد. این پدیده را می‌توان به این صورت توضیح داد که در صورت وجود محیط کسب و کار فسادآمیز، حجم بالای اقتصاد زیرزمینی و متعاقباً فرار مالیاتی بالا، نرخ شکست کسب و کارها در سال‌های اولیه شروع کسب و کار بسیار زیاد خواهد بود و در نتیجه حجم فعالیت‌های کارآفرینی تثبیت شده شدیدتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در نهایت، با توجه به نتایج به نظر می‌رسد که فساد در مقایسه با فرار مالیاتی، تأثیر منفی قوی‌تری بر کارآفرینی دارد. با توجه به این واقعیت که کارآفرینان افرادی هستند که در شروع کسب و کار، ریسک‌هایی را متقبل می‌شوند و اگر دریابند که رقبا از عدم پرداخت مالیات، مزیت یا عایدی به دست آورده‌اند، آن‌ها نیز دنباله‌رو رقبا حرکت می‌کنند، این نتیجه شگفت‌آور نیست. در مورد فساد اما وضعیت تاحدودی متفاوت است. به نظر می‌رسد کارآفرینان، یا منابع مالی برای پرداخت رشوه ندارند تا به این شیوه از مدیریت فاسد، مزیت کسب کنند، و یا به این دلیل که درک نادرستی از فساد دارند، فساد را در رابطه با بوروکراسی اداری یا عدم اطمینان بازار می‌دانند.

پیشنهادها

با توجه به نتایج این پژوهش و تأثیر سیاست‌های مالیاتی دولت بر روند فعالیت‌های کارآفرینانه در یک کشور، تعیین و اجرای نرخ مناسب مالیاتی توسط دولت‌ها حائز اهمیت فراوان است و باید در اولویت سیاست‌گذاری‌ها قرار گیرد؛ زیرا با افزایش بیش از حد نرخ مالیات، بیشتر درآمد کسب و کارها صرف پرداخت مالیات می‌شود که می‌تواند مالکان کسب

و کارها (به ویژه کسب و کارهای نوپا و جدید) را دلسرد کند (Bali moune-Lutz, 2015). در همین راستا می توان گفت، فرار مالیاتی به صورت کامل یا جزئی، هردو مشکل آفرین است؛ زیرا بنگاه ها با اقدام به فرار مالیاتی می توانند موقتاً هزینه های خود را کاهش دهند و مزیت رقابتی ناعادلانه ای نسبت به رقبا به دست آورند (Tonoyan et al. 2010). گذشته از این، در یک محیط کسب و کار با درجه فساد بالا، ممکن است روحیه مالیاتی پایین باشد و افراد به توانایی مدیریت مالیات ها توسط دولت برای ارائه خدمات عمومی اعتماد نداشته نباشند، که این عدم اعتماد می تواند فرار مالیاتی را پررنگ تر و جذاب تر سازد (Aidis et al. 2012; Estrin et al. 2013). بنابراین سیاست گذاران و دولت در هنگام تلاش برای کاهش فرار مالیاتی، باید هم زمان سیاست هایی برای مبارزه با فساد اتخاذ کنند. از سوی دیگر، به منظور ترویج و تقویت فعالیت های کارآفرینانه، هر دو پدیده فرار مالیاتی و فساد باید ریشه کن شود. باید توجه داشت که بنگاه های تازه تثبیت شده، معمولاً کسب و کارهای کوچکی هستند که هم به دلیل ریسک شکست کسب و کار و هم به دلیل فرصت های بیشتر برای درگیر شدن در فرار مالیاتی و روحیه مالیاتی پایین تر، به عنوان یک گروه پر ریسک بر حسب تمکین مالیاتی در نظر گرفته می شوند (Torgler, 2007). از این رو سیاست های مالیاتی دولت ها و راهکارهای مبارزه با فساد اداری در ارتباط با این نوع کسب و کارها باید از حساسیت و اولویت بالاتری برخوردار باشد. علاوه بر این، دولت ها باید به صورت مداوم اقداماتی برای مبارزه با فساد انجام دهند، زیرا این کار به ایجاد اعتماد در جامعه منجر شده و به نوبه خود باعث تقویت و توسعه فعالیت های کارآفرینی می شود. سیاست گذاران نیز باید دقت لازم را در مورد شفافیت، سخت گیرانه نبودن و انعطاف پذیری و بازدارندگی قوانین داشته باشند تا کارآفرینان، دیگر نیازی به دادن رشوه برای شروع کسب و کار نداشته باشند و فرار مالیاتی کاهش یابد.

محدودیت های تحقیق

محدودیت های موجود در این پژوهش، هم می تواند به مدل مورد استفاده و هم به نتایج پژوهش مربوط باشد. محدودیت اول، مربوط به نتایج تخمین مدل است، زیرا این نتایج صرفاً در مورد کشورهای مورد بررسی و در دوره زمانی مورد مطالعه ممکن است معتبر باشد. در

مقابل ممکن است در حضور سایر متغیرهای تأثیرگذار بر سطح فعالیت‌های کارآفرینانه و نیز دوره زمانی گسترده‌تر و یا نمونه کشورهای دیگر، نتایج تخمین تغییر یابد. محدودیت دوم، مربوط به کمیاب بودن داده‌های کشورها و سال‌های مورد بررسی است. به بیان دیگر، اطلاعات ناکافی مربوط به فرار مالیاتی در دوره زمانی طولانی‌تر و برای سایر کشورها، یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش حاضر است. محدودیت سوم، مربوط به جنبه‌هایی است که در مدل نادیده گرفته شده‌اند. مدل پیشنهادی در مطالعه حاضر، ویژگی‌های خاص کشورها، ویژگی‌های فردی و نیز عوامل مرتبط با محیط کسب و کار را برای کشورها کنترل نمی‌کند که در تحقیقات آتی می‌توانند مورد بررسی قرار گیرند. همچنین به سایر محققان پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، سایر زیرگروه‌های کارآفرینان را بر حسب جنسیت، بر حسب کارآفرینان رسمی و غیررسمی و یا کارآفرینان نوآور، فرصت‌گرا یا اجباری مدنظر قرار دهند.

منابع

- کردنائیج، اسدالله؛ زالی، محمدرضا و بهامین، ماجد. (1392). راهکارهای ساختاری توسعه کارآفرینی در ایران. توسعه کارآفرینی، 2(6): 95-114.
- Aidis, R., Estrin, S., & Mickiewicz, T. M. (2012). Size matters: entrepreneurial entry and government. *Small Business Economics*, 39(1), 119-139.
- Allingham, M. G., & Sandmo, A. (1972). Income tax evasion: a theoretical analysis. *Journal of Public Economics*, 1, 323-338.
- Anderson, B. B. (2015). Corrupting activities and economic development. *World Journal of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*, 11(1), 64-70.
- Andreoni, J., Erard, B., & Feinstein, J. (1998). Tax compliance. *Journal of economic literature*, 36(2), 818-860.
- Anokhin, S., & Schulze, W. S. (2009). Entrepreneurship, innovation, and corruption. *Journal of Business Venturing*, 24, 465-476.
- Asoni, A., & Sanandaji, T. (2014). Taxation and the quality of entrepreneurship. *Journal of Economics*, 113, 101-123.
- Avnimelech, G., Zelekha, Y., & Sharabi, E. (2014). The effect of corruption on entrepreneurship in developed vs non-developed countries. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 20(3), 237-262.
- Baliamoune-Lutz, M. (2015). Taxes and Entrepreneurship in OECD countries. *Contemporary Economic Policy*, 33 (2), April, 369-380.
- Baliamoune-Lutz, M., & Garelo, P. (2014). Tax structure and entrepreneurship. *Small Business Economics*, 42, 165-190.
- Baumol, W. J. (1996). Entrepreneurship: Productive, unproductive, and destructive. *Journal of Business Venturing*, 11(1), 3-22.
- Belitski, M., Chowdhury, F., & Desai, S. (2016). Taxes, corruption, and entry. *Small Business Economics*, 47(1), 201-216.
- Block, J. (2016). Corporate income taxes and entrepreneurship activity. *IZA World of Labor*.
- Braunerhjelm, P., & Eklund, J. E. (2014). Taxes, tax administrative burdens and new firm formation. *Kyklos*, 67(1), 1-11.
- Bruce, D., & Gurley, T. (2004). Taxes and entrepreneurial entry: an empirical investigation using longitudinal tax return data. *Proceedings of the 97th annual conference on taxation*, National Tax Association, 336-343.
- Bruce, D., Liu, X., & Murray, M. N. (2015). State tax policy and entrepreneurship. *National Tax Journal*, 68(3), 803-838.
- Chowdhury, F., Belitski, M., & Desai, S. (2015). Relationship between Tax Policy-Entrepreneurship: Role of Corruption. In *Academy of Management Proceedings* (Vol. 2015, No. 1, p. 10258). Briarcliff Manor, NY 10510: Academy of Management.
- Cullen, J. B., & Gordon, R. H. (2007). Taxes and entrepreneurial risk-taking: Theory and evidence for the U.S. *Journal of Public Economics*, 91, 1479-1505.
- Darnihamedani, P., Block, J. H., Hessels, J., & Simonyan, A. (2018). Taxes, start-up costs, and innovative entrepreneurship. *Small Business Economics*, 51(2), 1-15.

- Djankov, S., Ganser, T., McLiesh, C., Ramalho, R., & Shleifer, A. (2010). The effect of corporate taxes on investment and entrepreneurship. *American Economic Journal: Macroeconomics*, 2(3), 31-64.
- Doerrenberg, P., & Peichl, A. (2013). Progressive taxation and tax morale. *Public Choice*, 155(3-4), 293-316.
- Dove, J. A. (2015). The effect of judicial independence on entrepreneurship in the US states. *Economic Systems*, 9, 72-96.
- Dreher, A., & Gassebner, M. (2013). Greasing the wheels? The impact of regulations and corruption on firm entry. *Public Choice*, 155(3-4), 413-432.
- Dutta, N., & Sobel, R. (2016). Does corruption ever help entrepreneurship? *Small Business Economics*, 47(1), 179-199.
- Engström, P., & Holmlund, B. (2009). Tax evasion and self-employment in a high-tax country: evidence from Sweden. *Applied Economics*, 41(19), 2419-2430.
- Estrin, S., & Mickiewicz, T. (2012). Shadow economy and entrepreneurial entry. *Review of Development Economics*, 16(4), 559-578.
- Estrin, S., Korosteleva, J., & Mickiewicz, T. (2013). Which institutions encourage entrepreneurial growth aspirations? *Journal of Business Venturing*, 28, 564-580.
- Fadahunsi, A., & Rosa, P. (2002). Entrepreneurship and Illegality: Insights from the Nigerian cross-border Trade. *Journal of Business Venturing*, 17, 397-429.
- Ferede, E. (2013). Tax progressivity and self-employment: evidence from Canadian provinces. *Small Business Economics*, 40, 141-153.
- Hansson, Å. (2012). Tax policy and entrepreneurship: empirical evidence from Sweden. *Small Business Economics*, 38(4), 495-513.
- Henrekson, M., Johansson, D., & Stenkula, M. (2010). Taxation, Labor Market Policy and High-Impact Entrepreneurship. *Journal of Industry, Competition and Trade*, 10, 275-296.
- Hopkins, V. (2016). Institutions, incentives, and policy entrepreneurship. *Policy Studies Journal*, 44(3), 332-348.
- Huntington, S. P. (2006). Political order in changing societies. Yale University Press.
- Kapustkina, E. V. (2008). The system of business financing in Russia: the gender aspect. *International Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 5(3-4), 297-317.
- Kelley, D., Bosma, N. S., & Amorós, J. E. (2011). *Global entrepreneurship monitor 2010 executive report*, Babson Park, MA: Babson College, Santiago, Chile: Universidad del Desarrollo. 1-83.
- Klapper, L., Laeven, L., & Rajan, R. (2006). Entry regulation as a barrier to entrepreneurship. *Journal of Financial Economics*, 8 2 (3), 591-629.
- Levin, A., Lin, C. F., & Chu, C. S. J. (2002). Unit Root Tests in Panel Data: Asymptotic and Finite-Sample Properties. *Journal of Econometrics*, 108, 1-24.
- Lisi, G., & Pugno, M. (2011). Tax Morale, Entrepreneurship, and the Irregular Economy. *AUCO Czech Economic Review*, 5, 116-131.
- Martini, M. (2014). Approaches to curbing corruption in tax administration in Africa. Transparency International, U4 Anti-Corruption Resource Center, no. 11.
- Mauro, P. (1995). Corruption and growth. *The quarterly journal of economics*, 110(3), 681-712.
- Méndez, F., & Sepúlveda, F. (2006). Corruption, growth and political regimes: Cross country evidence. *European Journal of political economy*, 22(1), 82-98.

- Mickiewicz, T., Rebmann, A., & Sauka, A. (2012). To pay or not to pay: entrepreneur's attitudes towards tax evasion (summary). *Frontiers of Entrepreneurship Research*, 32, Article 10.
- Mo, P. H. (2001). Corruption and economic growth. *Journal of comparative economics*, 29(1), 66-79.
- Mohammadi Khyareh, M. (2017). Institutions and entrepreneurship: the mediating role of corruption. *World Journal of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*, 13(3), 262-282.
- Nawaz, F. (2010). Exploring the Relationships between Corruption and Tax Revenue. Transparency International, U4 Anti-Corruption Resource Center, no. 228.
- Parker, S. C. (2003). Does Tax Evasion Affect Occupational Choice? *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, 65, 379-394.
- Rodriguez, P., Uhlenbruck, K., & Eden, L. (2005). Government corruption and the entry strategies of multinationals. *Academy of management review*, 30(2), 383-396.
- Schneider, F., & Buehn, A. (2012). Size and Development of Tax Evasion in 38 OECD countries: What do we (not) know? CESifo Working Paper, no. 4004.
- Tonoyan, V., Strohmeyer, R., Habib, M., & Perlitz, M. (2010). Corruption and entrepreneurship: How formal and informal institutions shape small firm behavior in transition and mature market economies. *Entrepreneurship theory and practice*, 34(5), 803-832.
- Torgler, B. (2007). *Tax compliance and tax morale: A theoretical and empirical analysis*. Edward Elgar Publishing.
- Von Lampe, K. (2007). Criminals are not alone: Some observations on the social microcosm of illegal entrepreneurs. *Crime Business and Crime Money in Europe: The Dirty Linen of Illicit Enterprise, Nijmegen, NETH: Wolf Legal Publishers*, 131-155.
- Williams, C. C. (2008). *The hidden enterprise culture: Entrepreneurship in the underground economy*. Edward Elgar Publishing.
- Yitzhaki, S. (1974). A note on income tax evasion: a theoretical analysis. *Journal of Public Economics*, 3, 201-202.